

بریدن سر هیولا

■ در تلویزیون « اینترنتی » آقای سربی به نام « مردم تی وی » با یکی از شخصیت‌های ایرانی مربوط به بلوچستان مصاحبه‌ای انجام می‌شد

مصاحبه شونده که ایشان را آقای « ستار » می‌نامم گفت : اگر یک گروه بیایند و یک دولت در تبعید تشکیل بدهند ... آن دولت در تبعید می‌شود دولت آن گروه خاص ! و نمی‌شود دولت همه و یا حتی اکثریت ملت ایران و اگر بخواهیم دولت در تبعید برای ملت ایران و یا اکثریت ملت ایران تشکیل بدهیم، باید از همه گروه‌ها و یا حداقل از اکثر گروه‌ها نمایندگانی در آن دولت در تبعید حضور داشته باشند .

در کشورهایی که موقتاً از دیکتاتوری رها شده‌اند و امید است به دامن دیکتاتوری دیگر؟! نیفتند و به دموکراسی دست پیدا نکنند مانند مصر ، تونس ، لیبی و به دنبال آن یمن و سوریه ... یک شورای ملی و یا یک کنگره ملی با شرکت تقریباً همه گروه‌ها تشکیل شده است، چرا ما ایرانی‌ها توانایی تشکیل چنین شورا و یا کنگره‌ای را نداریم ؟ ... امیدوارم تو خواننده عزیز هم با من هم عقیده باشی که ما ایرانی‌ها تاکنون نشان داده‌ایم که توانایی تشکیل چنین شورایی را نداریم .

در بسیاری از کشورها، ارتش برای مدتی کوتاه و یا بلند قدرت را به دست می‌گیرد و مانند عراق پس از چندین کودتای نظامی، افرادی به ترتیب حکومت را به دست گرفتند از جمله عارف و قاسم و حسن البکر و در پایان صدام حسین حکومت را به دست گرفت یا در مصر ژنرال نجیب ، ملک فارق را از قدرت کنار زد و بعد حکومت به عبدالناصر و بعد از او به انور سادات و بعد از او به حسنی مبارک رسید . همین طور در ترکیه آتاتورک که یک نظامی بود . نظامیانی که حکومت را به دست می‌گیرند با عملیات نظامی حکومت را به دست می‌گیرند . اگر در داخل کشور و در مقام فرماندهی نظامی باشند، با یک حمله ناگهانی مراکز قدرت را به دست می‌گیرند

و حکومت قبلی را سرنگون می‌کنند یا حاکمان قبلی را می‌کشند یا محاکمه می‌کنند یا راه می‌دهند تا از کشور خارج شوند .

اگر نظامیان در قدرت نباشند و یا در خارج از کشور باشند با تشکیل گروه‌های مخفی چریکی در داخل کشور دست به مبارزه با حکومت می‌زنند و سعی می‌کنند با حمله و گریز و تخریب، دولت را از پا در آورند و این کار را نظامیانی می‌کنند که یک ماه، دو ماه، یک سال، یا دو سال است از کشور خارج شده‌اند و لذا در نظامیان داخل کشور نفوذ داشته و با آنها رابطه دارند و آنها را قانع می‌کنند تا دست به همکاری بزنند .

در کشور ماکه ۳۳ سال از آغاز دیکتاتوری اسلامی گذشته است و رژیم جلاد و آدم‌کش همه فرماندهان و سران نظامی را یا کشته و یا فراری داده و یا خانه نشین کرده است و از طرفی ۳۳ سال از عمر آنان گذشته است . نظامیان قدیمی در واقع رابطه‌ای با نظامیان درون کشور ندارند و یکدیگر را نمی‌شناسند و چون نمی‌شناسند ارتباط برقرار نمی‌شود زیرا به هم اطمینان ندارند . اگر یک نفر از داخل زنگ بزند و بگوید من فرمانده نظامی هستم ... جناب تیمسار خلبان ۳۳ سال پیش کشورمان نه او را می‌شناسد و نه صدای او را تشخیص می‌دهد و نه با او خاطره‌ای دارد که با یادآوری آن شناسایی و جلب اطمینان بشود ، لذا اگر یک مأمور رژیم زنگ بزند و خود را فرمانده نظامی معرفی کند و ایشان را به گمراهه هدایت کند ... ایشان تشخیص نخواهند داد و اصولاً این که مردم سر ساعت فلان از خانه خارج شوید احتیاج به یک فرمانده نظامی ندارد و این کار سیاسی است و باید رهبران سیاسی آن را برنامه ریزی بکنند و هنگامی که رهبران سیاسی مسئولیت ندارند و کاری نمی‌کنند و زمان می‌گذرد و می‌گذرد ... نظامیان وطن پرست و دلسوز به فکر کاری می‌افتند. اسلحه بخریم، ببریم به مردم تحویل بدهیم، برویم سر مرز جمع شویم و با رژیم بجنگیم، برویم داخل و به هم ملحق شویم و با عملیات کماندویی و تک آوری رژیم را سرنگون کنیم و ... و ... بعد ملاحظه می‌کنند زن و بچه دارند ، شغل دارند ، کسب و کار دارند و از طرفی دیگر آن توان درکوه خوابیدن را هم ندارند و همه راه‌های نظامی به بن بست می‌رسد.

بودجه‌ای فراهم می‌کنند و می‌روند رسانه‌ها و مردم را به قیام دعوت می‌کنند. ای مردم ایران شما به جنگ هیولا بروید و هیولا را بر زمین بزنید و همان طور نگاه دارید تا ما بیاییم و سر هیولا را جدا کنیم. من شخصاً به کار این نظامیان و به میهن پرستی آنان و احساس مسئولیت آنان در مقابل مردم ایران ارج می‌نهم و اگر به من این افتخار را بدهند دست یک یک آنان را می‌فشارم و در عین حال اگر رهبران سیاسی خارج از کشور را در صفی قرار بدهند، من می‌خواهم افتخار آن را داشته باشم بر سر هر یک از آنان مشت می‌کوبم.

رهبران سیاسی ما در خارج از کشور اکثراً خودخواه، منم منم بزن، خود شیفته، کور در مقابل دیگر رهبران، دماغ بالا، از خود راضی تنها خود را می‌بینند و قبول دارند. هر کدام کمتر یا بیشتر آدم‌های صادق، آدم‌های مسئول و میهن پرست را به دور خود جمع کرده‌اند و با وعده وعیدهای دروغین دو ماه دیگر و شش ماه دیگر و یک سال دیگر زمانی به درازای ۳۳ سال را تلف کرده‌اند یعنی عمر میهن پرستان خارج نشین را تلف کرده و ایرانیان اسیر داخل را در بند هیولا رها نموده‌اند. آن قدر کم مسئولیت و تنبل هستند که نظامیان دلسوز که هیچ حرکتی را مشاهده نمی‌کنند، خود به پا می‌خیزند و به دور یک سپهبد خلبان هشتاد ساله جمع می‌شوند تا کاری نکنند که با همه حمایت‌های آدم‌هایی مثل من هم ... که حمایت ما هم اثری ندارد ... کار پیش نمی‌رود. زمان شاه گفتیم هر که بیاد بهتر از شاه است و اشتباه بزرگی کردیم و قلب آن مرد میهن پرست و فداکار را شکستیم و او را دق مرگ کردیم و حالا من می‌گویم هر کس بیاید از این هیولا بهتر است و هر کس در راه نجات مردم برخیزد، من و امثال من، در حمایت آن حرکت‌رهایی بخش خواهیم بود.

رهبران سیاسی ... و رهبران گروه‌ها آن خود شیفتگی را از وجود خود بیرون کنند. هم اکنون آن را «تف» کنید و بر زمین بیاندازید و آن را لگد کنید. بر سر اینکه جمهوری باشد یا پادشاهی دعوا نکنید، لااقل این حق انتخاب را به مردم داخل بدهید.

پرویز مینوئی